



# آثار تسری افساد فی الارض به جرایم اقتصادی با تکیه بر ویژگی‌های خاص این جرایم

علی اسدی<sup>۱</sup>

امیر محمد صدیقیان<sup>۲</sup>

علی زارع مهرجردی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: 1400/06/29 تاریخ پذیرش نهایی: 1400/09/05

## چکیده

جرم اقتصادی، یکی از مفاهیم جدید جامعه مدرن است که به لحاظ تهدیدات آن نسبت به ثبات و امنیت جوامع، سنت‌ها و ارزش‌های دموکراسی، ارزش‌های اخلاقی و عدالت، توسعه پایدار و حاکمیت قانون، بیش از پیش موجب نگرانی شده است تا جایی که قوانین ج.ا.ا این گونه جرایم را در سطح عمده و کلان مصداق افساد فی الارض دانسته است. شناخت ویژگی‌های خاص این گونه جرایم از حیث عمل ارتكابی، بسترها، مقیاس آن، خصوصیات خاص مرتکبین و همچنین بزه دیده شناسی آنها، شرط لازم اتخاذ راهبرد کیفری سنجیده در قبال آنها است. جرم انگاری اخلاقی گسترده در نظام اقتصادی کشور به عنوان مصداقی از افساد فی الارض در ماده 286 قانون مجازات اسلامی مصوب 1392، آمده است. مطالعه توصیفی - تحلیلی حاضر، نشان دهنده فقدان تناسب میان آثار مترتب بر رویکرد اتخاذی قانونگذار و ماهیت جرایم اقتصادی است؛ علیرغم حرفه‌ای بودن مرتکبین جرایم اقتصادی و استفاده آنها از روش‌های پیچیده، رویکرد اتخاذی قانونگذار، قابلیت بازدارنده بودن کیفری را ندارد؛ همچنین پیامدهایی مثل نقض حقوق اقتصادی و شهروندی افراد و سرکوبگری کیفری، با ماهیت جرایم اقتصادی همخوانی ندارند. به نظر می‌رسد مقابله سنجیده با جرایم اقتصادی، بیش از هر چیز بجای صرف متوسل شدن به شدیدترین ابزارهای سرکوبگر کیفری، نیازمند اتخاذ رویکردی افتراقی در رسیدگی و همچنین پیش‌بینی و بکارگیری ضمانت‌های متنوع و متناسب کیفری، اداری، مدنی و ترمیمی است.

<sup>1</sup> دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. Asadi.judg@yahoo.com

<sup>2</sup> استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. استاد راهنمای اول. (نویسنده مسئول): Asediqian@yahoo.com

<sup>3</sup> استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران. (استاد راهنمای دوم): Ali\_zaremehrjerdi@yahoo.com

## کلید واژه‌ها

افساد فی الارض، رویکرد کیفری افتراقی، جرم اقتصادی، بزهکار اقتصادی، قوانین کیفری.

## مقدمه

پیشرفت بشر در ابعاد گستره از جمله روابط و موضوعات اقتصادی در سطح جهان، امکان کنکاش متخلفین در یافتن راه‌های نامشروع بهره‌مندی از اقتصاد کشورها در قالب جرم اقتصادی میسر کرده است و نظام‌های حقوقی را روز به روز با پیچیدگی‌های فراوان این مجرمین به خصوص در سطح کلان مواجه می‌سازد. قرآن کریم هم در آیه 33 سوره مبارکه مائده<sup>۱</sup> در بردارنده جرم محاربه و افساد فی الارض می‌باشد. جمع یا جدایی دو مفهوم محاربه و افساد فی الارض مورد نظر آیه، همواره از مباحث مهم و اختلافی فقها و حقوقدانان بوده است. در ماده 286 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 مصادیقی را تحت عنوان افساد فی الارض جرم انگاری نموده که این عمل با انتقادات فراوانی روبرو بوده است. بی شک یکی از پرچالش‌ترین مباحث حقوق کیفری ایران پس از انقلاب، تبیین ماهیت افساد فی الارض و تعیین گستره آن است. اگر چه قانونگذار با جرم انگاری مستقل افساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی 1392 در صدد تنویر موضوع و پایان دادن به اختلافات برآمد، لیکن به نظر می‌رسد این اقدام که با بی توجهی و عدم التفات به مبانی فقهی این عنوان جزایی صورت گرفته نه تنها چاره ساز نبوده که بر اشکالات پیش رو افزوده است. علی‌رغم دیدگاه قانونگذار به نظر می‌رسد افساد فی الارض عنوان مجرمانه مستقلی که لزوماً منتج به اعدام باشد، نیست، بلکه وصفی است که تمامی افعال و عناوین جزایی را که سبب اختلال در اعتدال و سلامت زندگی انسان می‌شوند، را در بر می‌گیرد و می‌بایست به تناسب و اقتضای فعل صورت گرفته و شرایط و اوضاع و احوال پیرامون آن اقدام به تعیین مجازات متناسب نمود؛ بنابراین، با پذیرش تعریف موسع از عنوان مفسد فی الارض در قانون جدیدالتصویب مجازات اسلامی، باید نگاهی دوباره به مبانی فقهی این مجازات انداخت.

حقوق کیفری و حضور آن در اقتصاد، دست کم سه هدف را دنبال می‌کند رسالت سرکوبگری؛ بدین معنا که حقوق کیفری، با کیفر دادن متخلفین اقتصادی، تابعان حقوق اقتصادی را تهدید

<sup>۱</sup> إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳۳) مانده

سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند جز این نیست که کشته شوند یا در بار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.

به تنبیه و مجازات می‌کند. رسالت توصیفی یا همان ارائه ارزش‌ها و مصالح؛ یعنی هر جرم اقتصادی، یک مصلحت اقتصادی را به دنبال دارد. حقوق کیفری با کیفر دادن متخلفین، در مقام اعلام اهمیت و معرفی ارزش‌های اقتصادی است و در نهایت رسالت حمایتی؛ بدین معنا که حقوق کیفری با تهدید متخلفان اقتصادی، در مقام حمایت کیفری از نظام اقتصادی است (آشوری و میرزایی، 1392: 70). علاوه بر این‌ها، در نگرش اقتصادی، جرم شناختن اعمال باید به گونه‌ای باشد که از لحاظ اقتصادی کارآمد بوده و رفاه اجتماعی را افزایش دهد (خالقی و شاهچراغ، 1393: 63)؛ بر این مبنا، می‌توان مدعی شد که قوانین کیفری، گرچه یکی از ابزارهای مهم برای برقراری نظم مطلوب در عرصه اقتصادی به شمار می‌روند، اما در صورت کاربرد نابه جا، می‌توانند به عاملی ضد آن تبدیل شوند (شاه آبادی و پوران، 1393: 74). یکی از مهمترین راهکارها به منظور کاربرد صحیح حقوق کیفری در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، شناخت صحیح جرایم اقتصادی به تفکیک ویژگی‌های عمل ارتكابی و همچنین مرتکبین و بزه دیدگان این جرایم می‌باشد. با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال 1392، برای اولین بار واژه «جرایم اقتصادی» در مواد گوناگون مطرح گردید. این قانون، با تسری عنوان مجرمانه افساد فی‌الارض<sup>۱</sup> به جرایم اقتصادی، رویکردی نوین مشتمل بر مرتب نمودن آثار کیفری شدید در راستای کاهش مزایای ارتكاب جرم و نیز ناتوان سازی مرتکبین، برای مبارزه با اینگونه جرایم اتخاذ نموده است. به نظر میرسد توجیه قانونگذار ایران از اتخاذ رویکرد مزبور، این است که چون در جرایم اقتصادی، بیش از آنکه نفس عمل، ویژگی اقتصادی داشته باشد، آثار آن عمل است که اقتصاد کلان را تحت الشعاع قرار داده و آن را مصداق جرم اقتصادی قرار می‌دهد، پس ارتكاب جرایم اقتصادی در سطح وسیع و به قصد ایجاد اخلال در نظام اقتصادی حکومت اسلامی و تضعیف پایه‌های آن، مصداق افساد فی الارض می‌باشد. بر مبنای مجموع آنچه گفته شد، در پژوهش پیش روی با اتخاذ روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (کتاب‌ها و مقالات فارسی، عربی و انگلیسی مرتبط با موضوع)، به بررسی آثار مرتب بر رویکرد جدید قانونگذار با تکیه بر ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی خواهیم پرداخت و بر این اساس، می‌توان پرسش اصلی پژوهش را اینگونه مطرح نمود که مهمترین آثار مرتب بر تسری عنوان مجرمانه افساد فی الارض به جرایم اقتصادی، با توجه به ویژگی‌های خاص اینگونه جرایم چیست؟ یک جمله از اینجا حذف شد.

<sup>۱</sup>قانونگذار در قوانین بعد از انقلاب اسلامی تا سال 1392، معمولاً عناوین محاربه و افساد فی الارض را با یکدیگر استفاده می‌کرد و در مواردی هم که افساد فی الارض را به صورت جداگانه استعمال می‌نمود، درصدد بود تا همان حکم محاربه را در مورد آن جاری سازد (میرمحمد صادقی و رحمتی، 1394: 17).

## 1. مفاهیم کلیدی

توضیحات اضافی و زائد حذف شد.

### 1-1. افساد فی الأرض

فساد به معنای تباه شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن و نیز به معنای تباهی، خرابی، فتنه، آشوب، شرارت و بدکاری است (وطنی و فرهود، 1397: 143). در محیط فی اللغه و کتاب العین چنین آمده است: «الفسادُ نقيضُ الصلاح». قریشی در قاموس قرآن در مورد فساد می‌نویسد: «فساد یعنی تباهی که در لغت آن را ضد صلاح گفته‌اند». افساد (به کسر الف) مصدر باب افعال به معنای تلف کردن، از بین بردن، ضایع کردن و خراب کردن آمده است. در مجموع، افساد فی الأرض را می‌توان عبارت از هر رفتاری دانست که در صورت شیوع، ضمن انهدام اجتماع و حیات اجتماعی (موسوی گلپایگانی، 1412ق، ج3: 316) و برهم زدن مسیر عادی و سلامت امنیتی، اخلاقی یا اقتصادی جامعه، موجب تباهی در نظام آن شود (کدیور، 1387: 247؛ نقل از برهانی، 1394: 20). افساد از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا اشاعه فساد یا فحشاء در حد وسیع است. حد افساد فی الارض قتل، آویختن به دار، اول قطع دست راست و سپس پای چپ، نفی بلد (تبعید) است. برخی فقها (موسوی گلپایگانی، منبع پیشین: 319) بر این اعتقادند که چون در عبارات بیشتر فقها، عنوان افساد فی الأرض ذکر نشده و آن را عنوانی مستقل در برابر محارب قرار نداده‌اند، حکم به جاری شدن حد بر مفسد مشکل است، هر چند گناه او از بزرگ‌ترین معاصی است و باید تعزیر شود تا از عمل خود دست بردارد. با عنایت به مراتب بالا و با توجه به اصل احتیاط در دما و «قاعده درء»<sup>1</sup> می‌توان گفت افساد فی الأرض عنوانی است کلی و مقصود از آن، معنای عام افساد است که موضوع هیچ جرم خاصی نیست.

حذف برخی تعاریف زائد

### 1-2. رویکرد کیفری افتراقی

#### 1-2-1. معنای لغوی.

<sup>1</sup> بر مبنای سنت نبی مکرم اسلام، حدیثی از پیامبر گرامی اسلام نقل شده که می‌فرمایند: «ادروا الحدود بالشبهات» و قانونگذار ایران در مواد 120 و 121 قانون مجازات اسلامی 1392 در بحث سقوط مجازات‌ها به صورت صریح و مستقل به آن پرداخته است. در قانون مجازات اسلامی 1370 سخنی از این قاعده به میان نیامده بود، لیکن قضات در موارد حصول شبهه در دعاوی کیفری، مستند به اصل 167 قانون اساسی به این قاعده رجوع می‌نمودند.

افتراق به معنای از یکدیگر جدا شدن و فرق گذاشتن آمده است (معین، 1391). بدیهی است که این رویکرد بر تفاوت قائل شدن در سیاست‌های کیفری است.

## 1-2-2. در اصطلاح علم حقوق.

دادرسی افتراقی از اصطلاحاتی است که در علم حقوق دارای جایگاه خاصی بوده و به جهت محدود بودن گستره فعالیت، صلاحیت و افراد تحت الشمول خود به نسبت دادرسی عمومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ فلسفه وجودی و چرایی تشکیل و سازماندهی محکمه‌ای اختصاصی جهت رسیدگی به جرایم اقتصادی ممکن است ذهن هر حقوقدان و غیرحقوقدانی را به خود مشغول داشته و این سؤال را با خود مطرح نماید که دلایل و علل ایجاد تفکیک و انشقاق بین مجرم اقتصادی و افراد عادی در نحوه و شکل رسیدگی به جرایم گاهاً یکسان چیست و چرا یک مجرم اقتصادی به هنگام ارتکاب جرم می‌بایست در محاکمی اختصاصی و جدای از سایر افراد بر مسند پاسخگویی بنشینند و در برابر اتهامات وارده از خود دفاع نموده و در صورت احراز جرم و محکومیت به شیوه و روشی متفاوت از سایر افراد عادی مجازات شده و در صورت لزوم مدت زمان حبس خود را در زندان‌هایی سوای از سایر زندانیان عادی بگذرانند.

رویکرد کیفری افتراقی به جهت عدول از برخی اصول و معیارهای متعارف حقوق کیفری یا قبض و بسط آنها، یک سیاست کیفری ویژه و متمایز محسوب می‌شود که مشمول برخی جرائم مانند سایبری، کودکان به عنوان دسته‌ای از جرائم نوظهور یا خاص نیازمند چنین سیاست کیفری افتراقی است. براساس تفاوت‌های برجسته این جرائم با جرائم سنتی از جمله تفاوت در ماهیت، گستره و بستر ارتکاب جرم تبیین شود و به دنبال آن گونه‌های این سیاست کیفری افتراقی با رویکردی توصیفی و توصیه‌ای در قلمرو این دسته از جرائم به ویژه در چارچوب نیازمندی‌های نظام کیفری ایران شناسایی و معرفی شود. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد. نظریه‌ها و مکاتب جرم‌شناسی هر یک به گونه‌ای حقوق کیفری و سیستم عدالت کیفری را تحت تأثیر قرار داده‌اند و سیستم عدالت کیفری در برخی موارد تحت تأثیر آموزه‌های جرم‌شناسی به رویکردهای افتراقی روی آورده است.

تمرکز خاص در مطالعات بزه دیده شناسی، توجه به بزه دیده به عنوان یکی از عوامل خاص پیش‌جنایی و مؤثر بر وقوع جرم بوده است و تا اواخر نیمه اول قرن بیستم، توجه خاص و مستقل به بزه دیده از سوی اندیشمندان و سیاست‌گذاران علوم جنایی نشده بود؛ لیکن از اواخر

دهه 1960م. و اوایل دهه 1970م. تغییر نگرشی به سمت حمایت از بزه دیده پدید آمد که به آن بزه دیده شناسی ثانویه یا بزه دیده شناسی حمایت محور می‌گویند. (پاک نیت، 1396: 45)

### 1-2-3. ضرورت رویکرد کیفی

در بررسی تخصصی جرایم اقتصادی در مرز افساد فی الارض، ویژگی‌هایی نهفته است که حقوقدانان و قضات را به این باور رسانده تا روند افتراقی را در دادرسی‌ها دنبال نمایند. عوامل بسیاری در فلسفه این افتراقی شدن نقش دارند از آن جمله:

#### 1-2-3-1. ویژگی‌های بزه و بزهکار اقتصادی

در توجیه رسیدگی کیفی افتراقی نسبت به جرایم اقتصادی، سه معیار بنیادین نقش بازی می‌کنند: نخست ویژگی‌های مرتکب، نفوذ و یا قصد وی گویای آن است که انجام دهنده بزه اقتصادی دارای خطرناکی بالا است. همین ویژگی سبب می‌شود تا رسیدگی کیفی معمول نتواند چنین بزهکارانی را به دام بیندازد. دوم، ویژگی ماهیت رفتار مجرمانه: بزه اقتصادی که گاه با اخلاص اقتصادی و یا افساد اقتصادی نیز همدم می‌شود، رفتار بزه اقتصادی تهدیدی بر ضد اقتصاد و فراتر از آن، امنیت ملی محسوب می‌شود. سوم، پیامد جرم که بزه اقتصادی را به فساد نزدیک می‌کند. (آیت، 1389: 239-267)

#### 1-2-3-2. صلاحیت قاضی

دادرسی عادلانه نه فقط مستلزم وجود دادگاه‌های صالح از نظر قانونی است، بلکه اقتضای آن دارد که قضات رسیدگی کننده در حوزه جرائم مختلف آموزش دیده باشند و علاوه بر داشتن دانسته‌های حقوقی، به بایسته‌های حقوق در موضوعات مختلف نیز آشنایی کامل داشته باشند و به همین منظور ضمن اختصاص دادگاه‌های ویژه برخی جرائم، قضات متخصص، این جرایم را مورد رسیدگی قرار دهند. نظیر: جرائم مربوط به کودکان، فضای سایبری، موضوعات اختصاصی، مسائل سیاسی، محیط زیست و... (ماده 4 قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، مصوب 1373)

#### 1-2-3-3. نیاز به ضابطان تخصصی و فنی

افتراقی بودن یکی از مؤلفه‌های اساسی ارزیابی خطرات جرم، احتمال کشف جرم است. افتراقی شدن رسیدگی به جرایم اقتصادی که لازمه‌اش تخصصی شدن است، احتمال کشف جرم را

افزایش می‌دهد. یکی از نشانه‌های تخصصی شدن رسیدگی‌های افتراقی در مرحله پیش دادرسی، وجود ضابطان تخصصی و فنی است؛ چرا که جرایم اقتصادی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردارند. تنوع شگردهای ارتکاب جرایم اقتصادی، کشف جرم ارتكابی در این حوزه را با دشواری مواجه می‌سازد. (بند ب ماده 25 قانون برنامه پنجم توسعه مصوب 1389/10/30)

#### 1-2-3-4. ماهیت رو به پیچیدگی

سیاست کیفری افتراقی به جهت عدول از برخی اصول و معیارهای متعارف حقوق کیفری یا قبض و بسط آن‌ها، یک سیاست کیفری ویژه و متمایز محسوب می‌شود. جرائم اقتصادی به‌عنوان دسته‌ای از جرائم خاص رو به پیچیدگی هستند و به نوعی با فعالیت‌های اقتصادی در هم تنیده‌اند که نیازمند سیاست کیفری افتراقی است.

#### 1-2-3-5. افتراق در زمان رسیدگی

از دیگر مقتضیات دادرسی عادلانه، رسیدگی به اتهام در یک زمان معقول و بدون تأخیر و بدون اطاله دادرسی است. افتراقی سازی این گونه رسیدگی‌ها به علت اینکه تخصصی است، تأثیر بسیاری در جلوگیری از اطاله دادرسی دارد. (تبصره 4 ماده 188 قانون آیین دادرسی کیفری) مانند رسیدگی به جرایم مربوط به محیط زیست که نیازمند فور در صدور و اجرای قانون است. (حاجیوند و میرکمالی، 1397: 143-174)

#### 1-2-4. رویکرد افتراقی در قانون

در ماده یک قانون آیین دادرسی کیفری در تعریف آیین دادرسی کیفری، به لزوم رعایت حقوق بزه دیده و جامعه اشاره نموده است. لازمه رعایت این حقوق در جرایم متنوع، داشتن رویکرد افتراقی است. رویکرد افتراقی بر اساس موارد متعددی لازم الاتباع است. قوه قضائیه ایران برای دستیابی به رویکرد افتراقی در دادرسی‌های جرائم اقتصادی، شعبی از دادگاه‌های انقلاب اسلامی را با تشخیص و ابلاغ رئیس قوه قضائیه در تهران و حسب ضرورت در مراکز استان‌ها جهت رسیدگی به جرائم، در نظر گرفته است؛ همچنین در ماده 4 استجازه قوه از مقام معظم رهبری، دستور داده است تا انجام تحقیقات مقدماتی، از ابتداء تشکیل پرونده تا تکمیل تحقیقات و اظهارنظر نهایی در دادسرا باید بدون وقفه و در حداقل زمان انجام گیرد.

#### 1-3. جرم اقتصادی

مفهوم واحدی از جرم اقتصادی توسط قانونگذاران و حقوقدانان صورت نگرفته و در حقوق داخلی هم اجماعی راجع به تعریف جرم اقتصادی وجود ندارد (نجفی ابرندآبادی، 1384: 52) و آنچه بیش از همه جلب توجه می‌نماید، تشتت در تعاریف ارائه شده است. جرایم اقتصادی<sup>1</sup> از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای رفتار و اعمال مجرمانه یا جرایمی هستند که تاثیر به سزایی در نظام اقتصادی دارند. اخلال در نظام اقتصادی از مهم‌ترین ویژگی‌های جرایم اقتصادی است. تعدادی از جرایم مالی اگر در سطح گسترده و با هدف ضربه‌زدن به اقتصاد و نظام اقتصادی ارتکاب یابد، می‌توانند جرایم اقتصادی تلقی شوند. برخی از مهم‌ترین جرایم اقتصادی عبارتند از: قاچاق کالا و ارز، پولشویی، احتکار، ربا و رباخواری و رشوه و ارتشا. جرایم اقتصادی در اصطلاح عبارتند از جرایمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام می‌شوند یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند. (ساکي، 1389: 25 و ایمانی، 1382: 151) همچنین، جرم اقتصادی را به جرایم حوزه تولید، توزیع و مصرف (Paradel, 1990: 4) رفتار مجرمانه‌ی موجب فساد یا ایراد خسارت به نظام اقتصادی (Lindgrensven, 2001: 128)، جرایم ارتكابی علیه اقتصاد کشور یا به قصد آن (عامری، 1398: 129) جرایم ارتكابی به منظور تحصیل امتیازات مالی و نیز غیرمالی (2007: 134) (Bacher And Queloz, ) به دست آوردن منافع و امتیازهای غیرقانونی اقتصادی توسط فعالان اقتصادی در طی فعالیت اقتصادی (Davies, 2003, 287p) اعمال غیرقانونی ارتكابی یافته در عرصه فعالیت‌های حرفه‌ای به منظور کسب امتیازات اقتصادی (Sjogren And Skogh, 2004: 2) و ... تعریف نموده‌اند. به طور خلاصه می‌توان جرایم اقتصادی را مجموعه رفتارهایی تلقی نمود که کارکرد، الزامات و نظم نهادها و فرآیندهای نظام اقتصادی را دچار اختلال اساسی می‌کنند (حسنی و مهرا، 1394: 52).

## 2. ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی

ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی را می‌توان به تفکیک ویژگی عمل ارتكابی، مرتکب جرم و بزه دیده آن، مورد تبیین و ارزیابی قرار داد.

### 1-2. ویژگی‌های عمل ارتكابی

#### 1-1-2. ارتكاب در بستر فعالیت مشروع

<sup>1</sup> Economic offences



جرایم اقتصادی معمولاً در بستر یک بنگاه اقتصادی، مؤسسه یا شرکت رخ می‌دهد (شایگان، 1389: 88). در نگاهی وسیع‌تر می‌توان مدعی شد که جرم اقتصادی می‌تواند در بسترهای گوناگون یا در بطن فعالیت‌های مشروعی مانند بخش‌های مالی، بازار دولتی، بودجه دولتی (مالیات و سایر منابع مالی)، مصرف، مبادلات تجاری، تولیدات صنعتی، خدمات اداری و قضائی، اعمال قدرت سیاسی و نیز در بیشتر روابط قراردادی ارتکاب یابد (بچر و کلوز، 1386: 134)؛ به بیان دیگر، جرم اقتصادی به کمک یا در پناه ساختارها و ابزارهای اقتصادی مشروع، بدون توسل به خشونت یا تهدید ارتکاب می‌یابد.

## 2-1-2. تأثیرپذیری از محیط اجتماعی عمومی

در پژوهش‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی، اقتصاد در کنار فرهنگ و سیاست، محیط اجتماعی عمومی را به عنوان کلان‌ترین محیط مؤثر بر بزهکاری تشکیل می‌دهد (مهرا و پروینی، 1396: 114). جرایم اقتصادی بی‌تردید از نظام سیاسی و نظام اقتصادی هر جامعه که در واقع محیط اجتماعی عمومی هر کشور را تشکیل می‌دهند، مستقیماً متأثر می‌شوند. به عبارت دیگر میان گونه و میزان جرایم اقتصادی از یک سو و نظام یا رژیم سیاسی و اقتصادی حاکم، رابطه مستقیم وجود دارد. در حقیقت جرایم اقتصادی، ارتباط تنگاتنگ با قدرت سیاسی و نوع آن دارد، چنانکه بزهکاری مرتبط با چرخه‌های مختلف نظام اقتصادی (تولید، توزیع، حمل و نقل و ...) و فضای کسب و کار تغییر پیدا می‌کند (ابراهیمی در گسن، 1392: 15). به عنوان نمونه در کشورهای متأثر از نظام سوسیالیستی شوروی سابق، ارتکاب جرم نه تنها از جانب مأموران و کارگزاران به مناسبت شغل و موقعیت، بلکه از سوی افرادی که مجبور به خرید کالاهای مصرفی از بازار سیاه هستند، اجتناب ناپذیر خواهد بود؛ در حالی که در نظام‌های دموکراتیک، جرایم اقتصادی عمدتاً در غالب جرایم علیه صداقت و اعتماد در روابط اقتصادی - تجاری، جرایم مربوط به نقض قواعد رقابت آزاد و جرایم مرتبط با نقض مقررات راهبردی اقتصادی (مانند جرایم حوزه ارز و صرافی) ارتکاب می‌یابند (همان: 16).

## 2-1-3. همگامی با تحولات جامعه

یکی از مهمترین خصوصیات جرایم اقتصادی، متحول شدن آنان همگام با تحولات جامعه است؛ می‌توان گفت همانگونه که اقتصاد به سرعت در حال جهانی شدن است، جرایم اقتصادی نیز در حال تغییر و دگرگونی هستند و ویژگی اصلی جرایم اقتصادی، تغییرات سریعی است که

در آن صورت می‌گیرد (حسین الحسینی و همکاران، 1400: 708)؛ این امر باعث تسهیل دور زدن موانع قانونی توسط مرتکبین این جرایم و گستردگی تبعات حاصله از آن گردیده است؛ به عنوان نمونه، نظام بانکی به مثابه ساختاری مدرن، دارای بستری مساعد برای ارتکاب جرایم اقتصادی در سطح کلان بوده و مجرمین و مفسدین اقتصادی به منظور تسهیل ارتکاب اعمال مجرمانه خویش، سعی در اعمال نفوذ در بانک‌ها به اشکال مختلف نموده و مدام در حال اصلاح تجربه‌های گذشته و ابداع شیوه‌های نوین برای کسب منافع راحت‌تر و بیشتر هستند (زمانی و اعظمی مقدم، 1389: 99).

## 2-1-4. کلان بودن رفتار مجرمانه

ویژگی دیگر جرم اقتصادی، کلان بودن رفتارهای مجرمانه است که به چند حالت متجلی می‌شود: عواید یا موضوع جرم از یک رقم خاص تعیین شده بالاتر باشد یا آثار و نتایج جرم، شایع و گسترده باشد؛ به نحوی که باعث اخلال در امنیت اقتصادی شود یا رفتارهای مجرمانه در مکان‌های مختلف ارتکاب یابد. بر این اساس، جرائم اقتصادی به دلیل تأثیرات منفی آن و به اعتبار اقتصاد کلان مطرح می‌شوند (سلطانی فرد و همکاران، 1397: 165). در خصوص گستردگی عواید حاصل از جرم بایستی گفت که به همین دلیل، برخی (شاملو، 1386: 4) قاچاق مواد مخدر را نیز از جمله مصادیق جرم اقتصادی می‌دانند. به طور کلی بایستی اذعان نمود که جرائم اقتصادی، جرایمی واقعی نیستند که به طور مشخص با توجه به ارکان تشکیل دهنده‌شان از دیگر گونه‌های جرم متمایز گردند؛ بلکه به اعتبار میزان عواید حاصل از جرم و خطر آن‌ها برای اقتصاد کلان و نظام اقتصادی کشور مطرح گردیده‌اند؛ بر این مبنا چنانچه کلاهبرداری - که در زمره جرائم علیه اموال است - در سطح کلان رخ دهد در ذیل جرائم اقتصادی قرار می‌گیرد؛ در حالی که عناصر و شرایط رکن مادی این جرم در فرض کلان بودن تغییری حاصل نکرده است (لانگست، 1387: 16).

## 2-2. ویژگی‌های مرتکبین جرم

مرتکبین جرایم اقتصادی و در مقیاسی وسیع‌تر مفسدین اقتصادی، عموماً افرادی حرفه‌ای، زیرک و دارای نفوذ هستند که با کمک دانش و اطلاعات مخصوص در زمینه امور اداری و اقتصادی، مرتکب جرم شده (خدائیان چگنی، 1391: 34) و از روش‌های پیچیده‌ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند؛ به گونه‌ای که اکثر این افراد دارای چندین هویت، چندین شرکت

صوری، سیستم‌های حسابداری پیچیده و پاکسازی درآمدهایشان از طریق شرکت‌های قانونی می‌باشند (نظری نژاد و اسفندیاری فر، 1395: 200). این افراد، عواید حاصل از جرم را با درآمدهای قانونی مخلوط کرده و با در دست داشتن امکانات مالی، هزینه تولید محصولات خود را کاهش می‌دهند و رقبای دیگر را که فعالیت قانونی دارند از صحنه رقابت خارج می‌کنند (میرسعیدی و زمانی، 1392: 169). در مجموع می‌توان این‌گونه مرتکبین را به دلیل دارا بودن انطباق اجتماعی بالا و البته حالت خطرناک زیاد در رسته مجرمین یقه سفید<sup>1</sup> قرار داد.

### 2-3. ویژگی‌های بزه دیدگان جرم

جرم اقتصادی از نظر بزه دیده نیز دارای ویژگی‌های خاص خود است. اگر در جرایم سنتی و عمومی معمولاً بزه دیده مستقیم وجود دارد، در جرایم اقتصادی علاوه بر بزه دیدگان مستقیم، آثار و پیامدهای اینگونه جرایم گریبانگیر بزه دیدگان غیرمستقیم نیز می‌شود. به بیان دیگر، قربانیان جرایم اقتصادی نه تنها کسانی هستند که مانند اشخاص حقوقی اقتصادی یا دولت، به طور مستقیم از اینگونه جرایم آسیب می‌بینند، بلکه مردم به عنوان مشتریان در موارد دستکاری در قیمت، کیفیت پایین محصولات یا خدمات و حتی محیط‌زیست، به‌طور غیرمستقیم قربانی جرایم اقتصادی هستند و فرار مالیاتی نیز منجر به کسری درآمد دولت شده و با تضعیف دولت در ارائه خدمات، اثر غیرمستقیم بر مردم می‌گذارد (همان: 169-170). کاسن<sup>2</sup> بر اساس ضابطه‌ی «بزه دیده» به تقسیم‌بندی انواع جرایم اقتصادی پرداخته و آنها را به شش دسته زیر تقسیم می‌نماید: 1) بزه دیدگان جرایمی که مرتکبان آنها، سرمایه‌گذاران اقتصادی و شرکای وی هستند و عبارتند از سهامداران یک شرکت و مأموران وصول مالیات. گروه دیگر از این دسته کسانی هستند که در هنگام انتقال سرمایه از یک سرمایه‌گذار اقتصادی به دیگری، ممکن است در اثر تقلب در انتقال سهامی که دارای ارزش پایین یا اساساً بی ارزش است، متضرر شوند. بزه دیدگان این جرم را نیز سهامداران یا مأموران وصول مالیات تشکیل می‌دهند. 2) اعمالی که موجب ورود ضرر به بستانکاران شرکت یا بنگاه اقتصادی می‌شود، مانند ورشکستگی اعم از به تقصیر یا به تقلب. بزه‌دیدگان این جرم ممکن است مأموران وصول مالیات و بستانکاران یک شرکت - که

<sup>1</sup> برخی (Geis, 1992: 47) جرایم یقه سفیدی را به معنای مجموعه جرایم ارتكابی از جانب طبقات بالای جامعه قلمداد نموده و برخی دیگر (Edelherzt And Overcast, 1970: 3) جرم یقه سفیدی را مجموعه اقدامات غیرقانونی با استفاده از فریب و سوءاستفاده از موقعیت به منظور کسب مال و منفعت تعریف نموده اند؛ همانگونه که ملاحظه می‌گردد، تعریف نخست بر شخص مرتکب جرم و تعریف دوم بر موقعیت ارتکاب جرم تأکید دارد. با توجه به اینکه جرایم اقتصادی در بستر فعالیت مشروع و با سوءاستفاده از موقعیت ارتکاب می‌یابند (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت)، بنابراین برداشت دوم از جرایم یقه سفیدی، انطباق بیشتری با جرایم اقتصادی دارد.

<sup>2</sup> Kasen.

شامل مستخدمان آن شرکت نیز می‌شود - باشند. این قسمت شامل تخلف سرمایه‌گذار از مقررات مربوط به پرداخت حقوق و دستمزد، همچنین سوء عملکرد وی در خصوص شرایط محیط کار از لحاظ ایمنی و بهداشت کار است و موجب در معرض خطر قرار گرفتن تمامیت جسمانی ایشان می‌گردد. (3) اعمالی که مصرف‌کنندگان کالا و خدمات از آنها متضرر می‌شوند و به دلیل غیر استاندارد بودن کالا و موارد دیگر، بزه دیده واقع می‌شوند. (4) اعمالی که بزه دیدگان آنها شامل رقبای یک فعالیت اقتصادی می‌باشند. مانند تبلیغات علیه شرکت رقیب. (5) اعمال مربوط به مقررات حمایت از محیط زیست در عرصه اقتصادی مانند آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی. (6) دسته‌ی آخر از بزه‌دیدگان، عبارت از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی می‌باشند که در جرایم مربوط به انواع مختلف برداشتن کالا از مغازه، کلاهبرداری یا چک و کارت‌های اعتباری، کلاهبرداری مربوط به بیمه یا جرایم کامپیوتری متضرر می‌گردند (دادخدایی، 1391: 60).

### 3. پیامدهای مترتب بر تسری افساد فی الارض به جرایم اقتصادی

با توجه به آنچه در خصوص ویژگی‌های جرایم اقتصادی به تفکیک عمل مجرمانه، مرتکب و بزه دیده جرم گفته شد، اینک به بررسی تحلیلی پیامدهای مترتب بر تسری افساد فی الارض به جرایم اقتصادی خواهیم پرداخت.

#### 3-1. نقض اصل کیفی بودن قوانین کیفری

در سال‌های اخیر، اصل قانونمداری به تبع احراز اشکالات نظری و عملی وارده و تحت تأثیر رویکردهای انسان مدار حقوقی، مفهوم جدیدی تجربه نموده است. این رویکرد نوین برای اولین بار تحت عنوان «اصل کیفی بودن قانون» مبنای صدور برخی از آراء دیوان اروپایی حقوق بشر در سال 1984 گردیده است. اصل مزبور اعلام میدارد که صرف اتکا به قانون و التزام به آن، برای تحقق نظم و عدالت اجتماعی - که لازمه نیل به حقوق بشر است - کافی نمی‌باشد و اساساً نمی‌توان به صرف وضع قانون، رسالت مقنن را در انجام وظایف خود تمام شده تلقی کرده و حتی نمی‌توان قانون نویسی و صرف وجود آن را اتمام حجت دولت برای شهروندان دانست. از این منظر، بیش و پیش از آنکه در رفتار شهروندان تحقیق گردد، بایستی در چگونگی و صحت انجام وظیفه مقنن در وضع قانون مناسب و با کیفیت تدقیق نمود (مؤذن‌زادگان و رهدادپور، 1397: 194). در حقوق اسلام نیز شفافیت قوانین کیفری مورد تأکید قرار گرفته است؛ به همین جهت از دیدگاه اصولیون، حتی اجمال نص، مانند فقدان نص است؛ یعنی اگر قانون، مجمل و غیرشفاف بود، گویا اصلاً قانونی وجود نداشته است. با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان مدعی شد که در

ماده 1 قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب 1369/9/19 در بند الف، ب، ج و ه مفاهیمی کیفی نظیر "قاچاق عمده ارز"، "گرانفروشی کلان"، "احتکار عمده ارزاق"، "سوء استفاده عمده" و "وصول وجوه کلان" آمده است.<sup>1</sup> این موارد در ماده 286 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 و تبصره ذیل این ماده قانونی<sup>2</sup> نیز تصریح شده است که بر نظریه مهجور فقهی مبتنی است، فاقد ویژگی‌های اصل کیفی بودن و شفافیت قوانین کیفری است؛ چرا که: اولاً: این ماده از شفافیت لازم بر خوردار نبوده و با بکارگیری الفاظ مبهمی چون گسترده، شدید و وسیع، تشخیص مصداق را برای متهم و قاضی مشکل نموده است؛ به این معنا که برای متهم و قاضی مشخص نیست که ارتکاب چه عملی توسط متهم، می‌تواند مشمول این قیده‌ها باشد. واژگان بکار رفته در متن ماده، تعمیم‌پذیر و تفسیربردار است؛ برای مثال، یکی از شرایط لازم برای تحقق افساد فی الأرض، گسترده بودن مصادیق در ماده است. حال سوالی که به ذهن می‌رسد این است که معیار گسترده بودن این مصادیق چیست؟ مسلم آن است که قوانین جاری، این معیار را تعیین نکرده اند و ظاهراً به قضاوت عرف واگذار شده است و مرجع تشخیص نیز بر اساس عرف، قضات دادگاهها میباشند که تفاسیر متعدد و معیارهای گوناگونی برای این کار خواهند داشت. این ایراد به عبارت «خسارت عمده» و «اخلال شدید» نیز وارد است. ثانیاً: با توجه به این قیود، تبعات و آثار آن برای متهم، قابل پیش بینی نیست؛ چرا که اگر قید گسترده محقق شود، مستحق اعدام و اگر احراز نشود، به حبس محکوم میشود و در این صورت بدیهی است که علاوه بر اصل کیفی بودن، اصل قانونی بودن جرایم و مجازاتها نیز نقض می‌شود (جعفری و همکاران، 1398: 16-17). هرچند بلحاظ تخصصی بودن این جرایم، در تبصره ماده 9 استجازه قانون<sup>3</sup> آمده است "چنانچه در تشخیص عمده، کلان و یا فراوان بودن موارد مذکور در قانون یادشده تردید حاصل شود، قاضی رسیدگی کننده می‌تواند نسبت به رفع ابهام حسب مورد از بانک مرکزی، وزارت صمت و یا سایر مراجع ذیصلاح دیگر استعلام نماید."

<sup>1</sup> مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی <https://rc.majlis.ir> > law > show

<sup>2</sup> ماده 286 قانون مجازات اسلامی، مصوب سال 1392: "هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آن‌ها گردد به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد."

تبصره- هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به موثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتکابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود."

<sup>3</sup> استجازه قوه قضائیه از مقام معظم رهبری در تاریخ 1399/6/2 در خصوص ماده 286 مصوب سال 1392

### 3-2. نقض اصل تناسب جرم و مجازات

عدم تناسب کیفر با جرم ارتكابی، همواره دغدغه مجریان عدالت کیفری بوده و هست. نگاهی به مبانی هریک از نحله‌های حقوق کیفری نشان میدهد که اساسی‌ترین توجیه تعیین مجازات، اصل رعایت تناسب مجازات و جرم است که از ملزومات اولیه انصاف و عدالت در کلیه امور و از جمله تعیین کیفر است (سبزواری نژاد، 1396: 134). مبانی اصلی ممنوعیت مجازاتهای نامتناسب در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوق داخلی، ممنوعیت استفاده ابزاری از انسان و احترام به حیثیت و کرامت ذاتی اوست. اصل تناسب جرایم و مجازات‌ها به صورت صریح یا ضمنی در ماده 5 اعلامیه جهانی حقوق بشر (1948) و در برخی دیگر از مواد کنوانسیون‌ها و منشورهای حقوقی جهانی ملاحظه می‌گردد.<sup>1</sup>

منظور از تناسب جرم و مجازات، تنها تناسب در درجه شدت کیفر نیست، بلکه تناسب میان جرم و مجازات هم در انتخاب نوع مجازات و هم در تعیین مقدار مجازات باید رعایت شود؛ به بیان دیگر، بین گستره خسارات ناشی از یک جرم یا قبح اجتماعی آن و مجازات مقرر باید تناسب و تعادل برقرار باشد. (حاجی ده‌آبادی و سلیمی، 1398: 112). در بحث افساد فی‌الأرض مشاهده می‌شود که قانونگذار برای اعمالی که شدت زیادی ندارند، شدیدترین مجازات یعنی اعدام را در نظر گرفته است؛ به عنوان مثال حتی معاونت در افساد موضوع ماده 286 مستوجب مجازات اعدام است (جعفری و همکاران، 1398: 17). در خصوص جرایم اقتصادی و استناد به عنوان مجرمانه افساد فی‌الأرض در ارتباط با این دسته از جرایم به ویژه فرار مالیاتی به وسیله شرکت‌های کاغذی، یکی از انتقادات مطروحه، عدم تناسب مجازات قانونی افساد فی‌الأرض و جرایم مزبور می‌باشد. (دانش شهرکی، 1400: 48)

### 3-3. سرکوبگری کیفری

شماری از فیلسوفان و نظریه‌پردازان مجازات بر این عقیده‌اند که خشونت نهفته در واکنش‌های کیفری، از این قابلیت برخوردار است تا اهدافی همچون پیشگیری از تکرار جرم، اصلاح بزهکار و افزایش امنیت عمومی را از طریق سلب توان بزهکاری فراهم آورد (جوان جعفری و همکاران، 1395: 91). در حوزه حقوق کیفری اقتصادی، اگرچه قواعد کیفرگذاری در آن، الزامی و آمرانه

<sup>1</sup> نظیر: ماده 3 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (1950)، ماده 7 کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (1966)، بند 2 ماده 5 کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (1969)، ماده 5 منشور آفریقایی حقوق بشر (1981)، مواد 2 و 4 کنوانسیون بین‌المللی منع شکنجه و رفتارها و مجازات‌های ظالمانه و غیرانسانی و وحشیانه (1984) و ماده 49 منشور حقوق بنیادین اتحادیه اروپا (2000).

می‌باشد (ولیدی، 1386: 36)، لیکن با توجه به نقش حمایتی حقوق کیفری از هنجارهای حقوقی، می‌توان حمایت کیفری از اقتصاد را نقش فرعی حقوق کیفری قلمداد نمود؛ به بیان دیگر، در اعمال و رویه‌های اقتصادی، بایستی استفاده از زرادخانه حقوق کیفری مشمول کاربرد حداقلی بوده و تنها بنا به ضرورت به کمک نظام اقتصادی بیاید؛ یعنی زمانی که قواعد اقتصادی موفق نمی‌شوند تابعان خود را به تبعیت از قواعد وادار نمایند (خالقی و رشنوادی، 1390: 31-30). در سالیان گذشته در سیاست جنایی کشور در قبال بزهکاری، شاهد ظهور سیاست‌هایی هستیم که در تدوین آنها، اهداف سیاسی و عامه پسند بر یافته‌های علمی ارجحیت یافته است. غلبه رویکردهای سرکوبگر را می‌توان یکی از مهم‌ترین مصادیق این سیاست‌ها برشمرد. آنچه از بررسی سوابق تقنینی در کشور ما به دست می‌آید، گواه این مدعاست که همواره جنبه‌های تنبیهی و سزا دهنده در مقابله با جرایم مختلف، برتری و غلبه داشته و سیاست جنایی بیشتر رنگ و بوی سیاست کیفری را به خود گرفته است (الهی منش و تقی زاده، 1397: 129)؛ بطوریکه تعداد پرونده‌های مطروحه در دادسراها، مشکلات زندانیان، آمار احکام اعدام و ... آنقدر از استانداردها فاصله گرفته که این امر حتی از جانب خود مقنن نیز مورد انتقاد قرار گرفته است (زر نشان و شجاعی نصرآبادی، 1396: 342). با قلمداد نمودن اخلاق گسترده در نظام اقتصادی کشور به عنوان مصداقی از افساد فی‌الأرض در ماده 286 قانون مجازات اسلامی 1392 و سایر قوانین پراکنده و مترتب نمودن شدیدترین واکنش کیفری (سلب حیات) در قبال آن، به نظر می‌رسد سیاست جنایی موجود در قبال جرایم اقتصادی، از سیاست کیفری مرسوم نیز فاصله گرفته و به سمت اتخاذ رویکردهای سرکوبگر صرف متمایل گردیده است. الصاق برچسب امنیتی مفسد فی‌الأرض به متهم اقتصادی در کیفرخواست صادره و تعقیب اهداف سرکوب گرایانه در فرآیند رسیدگی، قطعاً توانایی متهم، وکلای مدافع وی و حتی سایر متداعیین، برای هدایت جریان پرونده در مسیر دادرسی منصفانه را کاهش خواهد داد.

مبنای این گرای حقوق در چنین مسیر دادرسی بدنبال شیوع تخلفات کلان اقتصادی در کشور که می‌رفت تا تبدیل به یک بحران گردد، در ذیل بخش سیاسی، امنیتی قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب 1389/10/30 و در بند ب ماده 205 به وزارت اطلاعات در پیشگیری و مقابله با مفسد کلان اقتصادی و اختلال در امنیت اقتصادی در مقام ضابط دادگستری اختیار داده شده است. مقام معظم رهبری نیز طی پیامی در تاریخ 1380/2/10 جهت تعیین محدوده اقدام یاد شده، وزارت اطلاعات را موظف کرد در چارچوب وظایف قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی دولتی کلان مانند

معاملات و قراردادهای خارجی، سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، طرح‌های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند.<sup>1</sup> باید دانست فرایند رسیدگی کیفری با کشف جرم آغاز می‌شود. پس از کشف جرم، نهاد تعقیب دست به اقدامات مختلفی می‌زند که همه این اقدامات را می‌توان تحقیقات مقدماتی نامید. کمک وزارت اطلاعات صرفاً پیگیری و کشف جرم است. انجام برخورد قانونی با جرم و مجرم بر عهده قوه قضائیه می‌باشد.

### 3-4. نقض حقوق اقتصادی و شهروندی

ابعاد اقتصادی و اجتماعی، یکی از وجوه تأثیرگذار بر مقوله حقوق بشر به شمار می‌روند. این مفاهیم در بخشی با عنوان «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی» مطرح شده‌اند؛ به بیان دیگر، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق اقتصادی و اجتماعی را به عنوان جزء لاینفک در چارچوب هنجاری حقوق بشر، شناسایی و تصدیق نموده است (توتونچیان، 1398: 60). قرآن کریم نیز در آیات 58 تا 62 سوره مبارکه بقره درباره اهمیت حقوق اقتصادی، سخن به میان آورده تا جایی که شرط اجازه ورود بنی اسرائیل به بیت المقدس را مراعات حقوق و قوانین اقتصادی دانسته است (رورده و همکاران، 1398: 280). این نکته بدیهی است که مفسد فی الارض تلقی نمودن برخی متهمین اقتصادی، منجر به حکمفرما شدن جو رعب و وحشت و امنیت‌گرایی در فعالیت‌های اقتصادی مشروع گردیده و علاوه بر تضعیف امنیت سرمایه‌گذاری، حقوق اقتصادی، اجتماعی و در یک کلام حقوق شهروندی کنشگران این عرصه را نیز نقض خواهد نمود. حذف این بند بدلیل اینکه ادامه بند 3-3 است.

قانونگذار در قانون جدید نسبت به جرم «افساد فی الارض» رویکردی سختگیرانه را در پیش گرفته، بنحوی که خطری بالقوه، حقوق و آزادی‌های افراد جامعه را تهدید می‌نماید؛ چرا که، با تعبیری که در ماده 286 آمده است، می‌توان تمامی عناوین جرایم موجود (قتل، ضرب و جرح، نشر اکاذیب و...) را تفسیر موسع از عنوان «افساد فی الارض» نمود و مجازات «اعدام» را در مورد آنها اعمال نمود؛ در حالیکه کاربرد تفسیر موسع در حقوق جزا، بسیار ضعیف‌تر از تفسیر مضیق می‌باشد؛ بنابراین، بنظر می‌رسد لازم است مراجع قانونگذاری برای جلوگیری از نقض احتمالی حقوق شهروندان در برابر تفاسیر احتمالی موسع شخصی برخی قضات دادگاه‌ها، در جهت اصلاح این ماده از قانون مجازات اسلامی همت گمارند.

<sup>1</sup> مقام معظم رهبری در بند 6 از فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره مبارزه با مفساد اقتصادی، 1380/2/10.



### 3-5. سلب خصوصیت بازدارنده کیفر

اتخاذ رویه امنیت‌گرا در مقابله با جرایم اقتصادی و تلقی مرتکبین آن‌ها به عنوان مفسدین فی الأرض و در نهایت تأکید بر استفاده از مکانیسم‌های سرکوبگر- که در قسمت پیشین بدان اشاره شد - با وجود اینکه نوعی تلاش در جهت تسکین افکار عمومی و نشان دادن صلابت قانون و اقتدار دستگاه قضایی است، همچنان محل چالش و مناقشه است؛ نظر به عدم تمایل محاکم به استفاده از کیفر سالب حیات در احکام صادره به طور عام (میرخلیلی و حیدری، 1398: 94) و عطف توجه به این نکته که محکوم علیه در جرایم اقتصادی (به‌خصوص جرایم حوزه کسب و کار) ضمن عدم تحمل برچسب کیفری و انتشار حکم محکومیت، به انحاء مختلف (از واخواهی، تجدیدنظرخواهی و اعاده دادرسی گرفته تا نفوذ در دستگاه قضایی)، سعی در اخذ برائت، منع تعقیب و یا عفو خود خواهد نمود، بنابراین علاوه بر تسهیل فرار مرتکب از مجازات قانونی مقرر به دلیل شدت آن، بازدارندگی کیفر نیز به دلیل عدم همسویی میان سیاست جنایی قضایی با سیاست جنایی تقنینی (همان: 95) کاهش یافته و یا از بین خواهد رفت؛ شاید به این دلیل برخی صاحب‌نظران ضمن تأکید بر اعمال رویه‌های کیفرزدایی از جرایم اقتصادی، معتقدند که عمل نمودن برخلاف رویه‌های مزبور، موجب زایل شدن امنیت اقتصادی می‌گردد (Booth, 2007, p.35)؛ بنابراین سیاست جنایی درست اقتضا می‌کند که قانونگذار با توسل به شیوه‌های کیفری سلبی مثل کیفرزدایی از فعالیت‌های اقتصادی، سایه‌های حقوق کیفری بر اینگونه فعالیت‌ها را کوتاه کند.

### نتیجه‌گیری

جرایم اقتصادی یکی از چالش‌های جامعه امروزی مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه است که امنیت کشورها را مورد تهدید قرار می‌دهد. توسعه جرایم اقتصادی موجب جلوگیری دولت به اهداف ملی در زمینه امنیت اقتصادی شده و روند عمومی امور را به خطر می‌اندازد. جرایم اقتصادی و فساد در کشور ما به یکی از معضلات بسیار بزرگ تبدیل شده است. در نتیجه اهمیت برخورد با جرایم اقتصادی بیش از پیش نمایان است. چالش‌هایی از قبیل عدم تعریف جرم اقتصادی و بالطبع عدم تعیین مصادیق آن، نابسامان بودن و بعضاً نامناسب بودن قوانین در جلوگیری و کنترل جرائم اقتصادی و مبارزه با آن وجود دارد.

جرم اقتصادی دارای ویژگی‌های خاصی از نقطه نظر عمل ارتكابی، مرتکبین و بزه دیدگان آن می‌باشد که معمولاً در سطح کلان و در بستر فعالیت مشروع ارتكاب یافته و ضمن تأثیرپذیری از

محیط اجتماعی عمومی، با تحولات جاری جامعه نیز همگام است. مرتکبین اینگونه جرایم معمولاً افرادی زیرک، حرفه‌ای و دارای نفوذ هستند که با کمک دانش و اطلاعات و به بکارگیری روشهای پیچیده مرتکب جرم شده و نسبت به محو آثار آن نیز اقدام می‌نمایند. اینگونه جرایم، علاوه بر دارا بودن بزه دیده مستقیم، طیف وسیعی از افراد را به عنوان بزه دیده غیرمستقیم پدید می‌آورند. اگرچه واکنش کیفری قاطع در قبال جرایم اقتصادی ارتكابی در سطح کلان، نقشی غیرقابل انکار در فرآیند مبارزه با مفاسد اقتصادی به طور عام و ایجاد احساس عدالت در کنشگران اقتصادی و افکار عمومی ایفا می‌نماید، لیکن زیاده روی در شدت واکنش کیفری و غفلت از حتمیت و بازدارندگی آن، درجهت معکوس عمل نموده و به نقض غرض قانونگذار منجر خواهد گردید. تحلیل مهم‌ترین آثار مترتب بر رویه ی قانونگذاری مبتنی بر تسری افساد فی الأرض به جرایم اقتصادی (ماده 286 قانون مجازات اسلامی 1392) نیز مؤید همین نکته می‌باشد. غلبه رویکردهای سرکوبگر در قبال جرایم اقتصادی، نقض حقوق اقتصادی و شهروندی افراد، عدم تناسب میان ماهیت جرم و ضمانت اجرای مقرر، سلب خصوصیت بازدارنده کیفر به دلیل عدم تمایل رویه قضایی نسبت به اعمال کیفرهای شدید و در نهایت نقض اصل کیفی بودن قوانین کیفری را می‌توان از مهم‌ترین آثار مترتب بر رویه ی جدید قانونگذار تلقی نمود که همخوانی و تناسبی با ویژگی‌های خاص جرایم اقتصادی ندارند؛ سلب خصوصیت بازدارنده کیفر به دلیل عدم تمایل رویه قضایی با حرفه‌ای بودن مرتکبین جرایم اقتصادی و استفاده آنها از روش‌های پیچیده به منظور ارتكاب جرم، ناسازگار است. همینگونه است عدم تناسب میان نقض حقوق اقتصادی و شهروندی افراد و سرکوبگری کیفری از یک طرف با ماهیت جرایم اقتصادی مبنی بر تأثیرپذیری از محیط اجتماعی عمومی و همگامی با تحولات جامعه از طرف دیگر. تجارب عملی مکرر در سطوح مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی مرتبط با جرایم اقتصادی نیز مؤید این واقعیت است که مقابله سنجیده با این دسته از جرایم، بیش از هرچیز نیازمند شناخت جامع از ماهیت این جرایم از یک سو و بکارگیری ضمانت اجرای متنوع و متناسب کیفری، اداری، مدنی و ترمیمی از سوی است و نه صرفاً توسل به شدیدترین ابزارهای سرکوبگر کیفری. با توجه به آنچه در این پژوهش گفته شد،

قانونگذار در قانون جدید نسبت به جرم «افساد فی الارض» رویکردی سختگیرانه را در پیش گرفته، بنحوی که خطری بالقوه، حقوق و آزادی‌های افراد جامعه را تهدید می‌نماید؛ چرا که، با تعبیری که در ماده 286 آمده است، می‌توان تمامی عناوین جرایم موجود (قتل، ضرب و جرح، نشر اکاذیب و...) را تفسیر موسع از عنوان «افساد فی الارض» نمود و مجازات «عدم» را در

مورد آنها اعمال نمود؛ در حالیکه کاربرد تفسیر موسع در حقوق جزا، بسیار ضعیف تر از تفسیر مضیق می‌باشد. اصلاح ماده 286 قانون مجازات اسلامی در راستای حذف یا تعدیل تسری افساد فی الارض به جرایم اقتصادی، تشدید نظارت قضایی بر احکام اقتصادی صادره به استناد ماده مزبور تلاش در جهت کمی کردن مفاهیم کیفی همچون "گسترده" و "عمده" در ماده 286 قانون مجازات اسلامی و نیز افتراقی شدن جرایم اقتصادی در حوزه دادرسی کیفری از حیث تخصص قاضی، دادگاه‌های ویژه، سرعت در دادرسی، غیر امنیتی کردن جرم و... از راههای برون رفت مشکلات ذکر شده، می‌باشد.

## منابع

### الف) کتاب‌ها (فارسی و عربی)

1. قرآن کریم، سوره مبارکه نساء.
2. آیت، علیرضا، توجیه رسیدگی افتراقی برای جرایم اقتصادی: تهدید جرم یا خطر مرتکب؟، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، مقاله 8، دوره 8، شماره 28، پاییز 1398، صفحه 267-239.
3. ایمانی، عباس، (1382) فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نشر آریان، چاپ اول.
4. پاک نیت، مصطفی، (1396) افتراق شدن دادرسی کیفری، تهران، نشر میزان.
5. ساکی، محمدرضا (1389)، حقوق کیفری اقتصادی، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول.
6. کدیور، محسن (1387)، حق الناس، چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
7. لانگست، پیتر (1387)، برنامه‌های جهانی مبارزه با فساد، ترجمه امیرحسین جلالی فراهانی و حمید بهره مند، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
8. گلپایگانی، سید محمدرضا (1412ق)، الدر المنضود فی احکام الحدود، قم، دارالقرآن الکریم.
9. معین، محمد، (1391) فرهنگ لغت معین، ناشر، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ 27.
10. ولیدی، محمد صالح (1386)، حقوق کیفری اقتصادی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

### ب) مقاله‌ها

11. آشوری، محمد و میرزایی، اسدالله (1392)، حقوق کیفری و توسعه اقتصادی - صنعتی، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره 20، صص 57-86.
12. الهی منش، محمدرضا و تقی زاده، محرم (1397)، سیاست عوام گرایانه در مبارزه با جرایم اقتصادی با تأکید بر نقش پلیس، فصلنامه کارآگاه، سال 11، شماره 43، صص 134-120.

13. بچر، ژان لوک و کلوز، نیکولا (1386)، جرم اقتصادی و کنترل آن، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره 61، صص 133-148.
14. توتونچیان، مه‌ری (1398)، جایگاه حقوق اقتصادی - اجتماعی در حقوق بشر اسلامی از منظر فقه، فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، صص 57-71.
15. جعفری، محمد جواد و قاسمی، مسعود و ترابی، مینا (1398)، بررسی موارد نقض اصول حقوق کیفری در جرم انگاری بغی و افساد فی الأرض، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، دوره 5، شماره 2، صص 15-24.
16. جوان جعفری، عبدالرضا و جمالی، محبوبه و ساداتی، سید محمد جواد (1395)، ارزیابی تأثیر شدت عمل مجازات‌ها در تحقق اهداف نظام کیفری، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال 11، شماره 40، صص 91-114.
17. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی و سلیمی، احسان (1398)، مبانی، اصول و ساز و کارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال 8، شماره 29، صص 101-134.
18. حاجیوند، امین و میرکمالی، سید علیرضا، (1397) مبانی فقهی، حقوقی و جرم‌شناسی رسیدگی افتراقی به جرائم سبز، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، سال دوم شماره 3، 143-174.
19. حسنی، جعفر و مه‌را، نس‌رین (1394)، نقدی بر مفهوم «جرم اقتصادی» در قانون مجازات اسلامی (مصوب 1392)، دو فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره 2، شماره 2 و 3، صص 45-69.
20. حسین الحسینی، مینا و علیمرادی، امان الله و دلیر، حمید و احمدی موسوی، مهدی (1400)، بررسی تطبیقی نقش مؤلفه‌های جغرافیایی در ارتکاب جرایم اقتصادی از منظر حقوق ایران و فقه امامیه و اسناد بین المللی، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال 13، شماره 3، صص 705-717.
21. خالقی، ابوالفتح و رشنودی، حجت الله (1390)، بررسی حقوق کیفری رقابت از منظر قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل 44 قانون اساسی، فصلنامه پژوهش حقوقی دانشگاه قم، سال 3، شماره 3، صص 60-23.

22. خالقی، ابوالفتح و شاهچراغ، سید حمید (1393)، تحلیل اقتصادی حقوق کیفری براساس نظریه‌های همسو با عمل‌گرایی حقوقی، دو فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره 7، صص 53-82.
23. خدائیان چگنی، ذبیح‌اله (1391)، بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره 4، شماره 2 (پیاپی 7)، صص 31-58.
24. دادخدایی، لیلا (1391)، مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن، فصلنامه تعالی حقوق، سال 2، شماره 6، صص 45-70.
25. دانش شهرکی، محمدرضا (1400)، رویکردهای مواجهه با جرم فرار مالیاتی در نظم کیفری: مطالعه موردی پدیده شرکتهای کاغذی، دوره 29، شماره 49 (پیاپی 97)، صص 33-60.
26. رورده، حلیمه و محسنی دهکلانی، محمد و روحانی مقدم، محمد (1398)، تأملی در عنصر مادی جرم افساد فی الارض و مقایسه آن با حقوق شهروندی، مجله اخلاق زیستی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، صص 271-285.
27. زرنشان، شهرام و شجاعی نصرآبادی، محمد (1396)، تبیین جرم‌انگاری حداقلی از منظر اخلاقی، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره 4، شماره 2، صص 344-327.
28. زمانی، علی‌اکبر و اعظمی مقدم، مجید (1389)، تسهیلات غیرمجاز بانکی، موانع و چالشهای مبارزه، فصلنامه کارآگاه، دوره 2، سال 3، شماره 11، صص 84-108.
29. سبزواری نژاد، حجت (1396)، جایگاه اصل تناسب جرم و مجازات در حقوق کیفری ایران و انگلستان، دوفصلنامه دیدگاههای حقوق قضایی، شماره 77 و 78، صص 133-164.
30. سلطانی فرد، حسین و المیر، محمود و عالی‌پور، حسن (1397)، آئین دادرسی جرایم اقتصادی؛ پیوند محتوا و شکل، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره 10، شماره 3، صص 194-159.
31. شاه‌آبادی، ابوالفضل و پوران، رقیه (1393)، نقش کارآیی سیستم قضایی در سهولت کسب و کار، دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی، سال 21، شماره 5، صص 73-97.
32. شایگان، فرهاد (1389)، تدابیر جامعه جهانی جهت مبارزه با جرایم اقتصادی، فصلنامه کارآگاه، دوره 2، سال 3، شماره 12، صص 85-105.

33. مؤذن زادگان، حسنعلی و رهدادپور، حامد (1397)، «اصل شفافیت قانون» و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره 81، صص 193-220.
34. مهرا، نسرین و پروینی، مهدی (1396)، اقتصاد سیاسی بزهکاری دولت در نظام اقتدارگرایی فراگیر، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره 20، شماره 80، صص 113-133.
35. میرخلیلی، سید محمود و حیدری، مسعود (1398)، بررسی مبانی فقهی اعدام مجرمان اقتصادی، دوفصلنامه علمی فقه مقارن، سال 7، شماره 14، صص 83-104.
36. میرسعیدی، سید منصور و زمانی، محمود (1392)، جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه؟، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال 2، شماره 4، صص 167-199.
37. نظری نژاد، محمدرضا و اسفندیاری فر، خشایار (1395)، بررسی تطبیقی کنوانسیون بین المللی مبارزه با فساد مالی و قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال 7، شماره 1، صص 191-215.
38. وطنی، امیر و فرهود، نغمه (1397)، ضرورت بازنگری در ماده 286 قانون مجازات اسلامی 1392 براساس دیدگاه‌های امام خمینی، پژوهشنامه متین، سال 20، شماره 79، صص 141-163.

### ج) مصاحبه

39. شاملو، باقر (1386)، مصاحبه در تبیین جرم شناختی بزهکاری اقتصادی و راهکارهای پیشگیرانه از آن، خبرنامه انجمن ایرانی جرم‌شناسی، شماره 5 و 6.

### د) تقریرات درسی

40. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (1384)، تقریرات درس جرم شناسی، بزهکاری اقتصادی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

### و) منابع انگلیسی و لاتین

41. Bacher, Jean-luc And Queloz, Nicolas (2007), La Criminalite Economique et sa Regulation, luniversite de Fribourg (Suisse).
42. Booth, Richard (2007), What Is A Business Crime? , Villanova University School Of Law, School Of Law Working Paper Series, Paper 98, PP 127-145.
43. Davies, Pamela A. (2003), Is Economic Crime a Man's Game?, Feminist Theory ,SAGE publications, Vol. 4, No. 3.

44. Edelhertz, Herbert, and Thomas D. Overcast, (eds). (1982), White Collar Crime: An Agenda for Research, Lexington, MA: Lexington Books.
45. Geis, Gilbert A. (1992), White-Collar Crime: What Is It?, In White-Collar Crime Reconsidered, edited by Kip Schlegel and David Weisburd, Boston: Northeastern University Press.
46. Lindgrensven, A.K.E, (2001), White-collar Crime Research: Old Views and Future Potential, Thinking about White-collar Crime, the National Council for Crime Prevention, Sweden.
47. Paradel, J. (1990), Droit pénal économique, 2e édition, Paris.
48. Sjogren, hans, and skogh, Goran, (2004). New perspective on Economic crime, Edward Elgar publishing limited, uk.